



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

بسمه تعالی

سرمقاله

تحقیق حسابداری و منفعت عمومی

دین نو

مدرسه بازرگانی هاسکاین، دانشگاه کالگری، کالگری، کانادا و

مدرسه بازرگانی اسکولیک، دانشگاه یورک، تورنتو، کانادا

خلاصه

هدف- این مقاله با هدف معرفی موضوعی خاص آغاز می شود.

طراحی / اسلوب شناسی / معبر (راه انجام کاری)- این مقاله در خصوص تنوعی از راه های

کاوش ارتباط بین حسابداری و منفعت عمومی بحث نموده و به صورت اجمالی مشمول این

موضوع در مقالات را مرور می کند.

یافته‌ها - غیر کاربردی (نامناسب)

اصالت / ارزش - این مقاله با دلیل ثابت می‌کند که تحقیق حسابداری می‌تواند به واسطه زیر

سؤال بردن تصور منفعت عمومی و به واسطه ملاحظه نه تنها چگونگی شکل دهی منفعت

عمومی توسط حسابداری، بلکه به واسطه ملاحظه چگونگی تشکیل حسابداری توسط منافع

عمومی گوناگون آشکار گردد.

کلمات کلیدی - منفعت عمومی، تحقیق حسابداری، ساختار اجتماعی

نوع مقاله - مرور کلی

"منفعت عمومی" عبارتی است که ما به عنوان محققین حسابداری آن را با حسابداری با استفاده

از انعکاس مرتبط می‌کنیم. وقتی درباره حسابداری و جامعه صحبت می‌کنیم به صورت

غیرارادی هنجارها به موضوع راه می‌یابند، و لذا طبیعی می‌دانیم که به این مسئله پافشاری کنیم

که حسابداری بایستی در خدمت منفعت عمومی باشد. این زمینه به واسطه ادعاهای سنتی

مبنی بر حفاظت حرفه حسابداری از مصالح عمومی، و به واسطه ی تئوریهای ریزاقتصادی و به

شیوه جدیدی که تا اندازه زیادی مبنای تحقیقات حسابداری را تشکیل می‌دهند و حسابداری را

به واسطه اطلاعات شفاف و قابل اعتماد برای سرمایه گذاران در جهت کمک به ارتقا و رفاه اجتماعی در نظر می گیرند، تقویت شده است. هرچند، تحقیق حسابداری که تصور منفعت عمومی را زیر سؤال برده باشد به ندرت وجود دارد. محققین به ندرت مقصود از "منفعت عمومی" را مورد خطاب قرار داده یا چگونگی ارتباط حسابداری با آن را مورد سؤال قرار می دهند. محققین (تحقیق کننده در خصوص) باور عمومی، به واسطه ی نمونه های ریز اقتصادی شان، مایلند تا ارتباط یک طرفه ای را بین حسابداری و منفعت عمومی فرض کنند، ارتباطی که در آن حسابداری "بهرتر" (یعنی قابل اعتمادتر، صادقانه تر، قابل مقایسه تر، به موقع تر، و مانند آن) برای رفاه اجتماعی بیشتر ایجاد می شود. حتی محققین منتقد هم برخی اوقات این ارتباط یک طرفه را می پذیرند اگرچه آنها معمولاً معتقدند که این ارتباط خراب شده است برای فراتر رفتن از این اجماع و آشکار کردن تحقیق درباره "منفعت عمومی" در نظر گرفتن حسابداری و منفعت عمومی به عنوان قانونی دوطرفه مفید است (در مقایسه با Neu، در آینده نزدیک می آیند) حسابداری آنقدر که ترجمه (نسخه) فوق واقعی و مخصوصی از منفعت عمومی بسازد، در خدمت آن نیست و این "منفعت عمومی" مخصوص به نوبه خود می طلبد و ایجاد می کند

حسابداری را که نیازمند آن است. اینکه چگونه این فعل و انفعال اتفاق می افتد یک سؤال تجربی است. مقدر است تا تحقیق در این حوزه تجربی به کار گرفته شود، تا زمینه های پرسش را در مکانیزمها و تصورات بجایی که حسابداری و منفعت عمومی را به هم مرتبط می کند و در مکانیزمها و تصوراتی که این موضوع خاص با هم جمع می کرده است آشکار کند. تکرار اخیر بحران حسابداری به شعله های تمایل در منفعت عمومی دامن زده است، به نحوی که منتهی شده است به نگرانی عمده برای نقش (وظیفه) مشاغل و درخواستها برای آئین نامه ی بهتر. این مسئله معمای جالبی را ایجاد کرده است در حالی که فریاد عمومی راجع به این رُن و دُرلد کام مشکل می تواند مورد اغراق و مبالغه قرار گیرد و در حالی که بسیاری از محققین حسابداری حداقل با ایده تولید به موقع چیزی به صورت جدی برخورد نکرده اند، بازار تحقیق حسابداری آنگونه که یک نفر می تواند انتظار داشته باشد به انجام تحقیق حسابداری کمک نکرده بوده است. تعداد مقالات استفاده کننده از عبارت "منفعت عمومی" در روزنامه های راهنمای حسابداری البته این یکی شامل شده است، از زمان این رُن به صورت قابل ملاحظه ای افزایش نیافته است.

ما بر این عقیده ایم که علت این امر مقدماتاً با طبیعت نظام مند شده بازار تحقیق حسابداری مرتبط شده است. در طرف ذخیره (موجودی)، خط مشی های آکادمیک در اطراف (حول) راه های تحقیقی خاص ایجاد شده و به زحمت به صورت تخصصی / طبق عادت حاصل شده و با برنامه های تحقیقی سطح متوسط و سطح طولانی ترکیب می شوند. محور قرار دادن این برنامه ها جهت جلب موضوعات متداول شبیه درخواست از کشتی تفریحی است تا برای سوار کردن مسافر جامانده، دور زده و برگردد. در طرف "تقاضا" روزنامه های آکادمیک حسابداری، علایق، اهداف و موارد مورد بحثی دارند که فضای خُرده فروشی را جهت تحقیق در مسیرهای خاص، اختصاص می دهند. به همین خاطر است که درخواست از آکادمیهای حسابداری جهت تهیه تحقیق در مسیرهای خاص، اختصاص می دهند. به همین خاطر است که درخواست از آکادمیهای حسابداری جهت تهیه تحقیق در خصوص منفعت عمومی که هم استانداردهای کیفی و هم انقباضهای موضوعی و روان شناسانه ی ضمنی روزنامه های راهنمای حسابداری را برآورده می کند دوبرابر سخت تر است. حتی اگر هم آن آکادمیها، مقالات تحقیقی در خصوص "منفعت عمومی" تهیه می کردند، باز هم پیدا کردن جایگاهی توسط این مقالات

قطعی نبود. به همین دلیل استراتژی های جدید جهت ایجاد فضاهای مطبوعاتی ضروری هستند، فضاهایی که موضوعات مربوط به حسابداری منفعت عمومی می توانند در آنها مورد بحث و بررسی قرار گیرند. این فضاها می بایستی قبل از آنکه از محققین برای تهیه کار (تحقیق) توقع پذیرش مخاطرات کاری را داشته باشیم، ایجاد شوند. با ایجاد مجلات جدید مانند حسابداری و منفعت عمومی این فرآیند به خوبی در جریان است. تمایل مجله حسابداری، ممیزی و مسئولیت پذیری برای تهیه این موضوع خاص، به ادامه این فرآیند کمک می کند (این فرآیند را تداوم می بخشد).

هر کدام از مقالات (نوشته شده) در این موضوع، توسط کریستین کوپر، فراخوانی است جهت جنگ (اعلام جنگی است) برای آکادمی های حسابداری. کوپر چنین استدلال می کند که آکادمی به عنوان دانشمندان عمومی نقش مهمی به عهده دارند که مستلزم جلب دنیای اجتماعی است. نظیر کار قبلی در این نوع خاص (sikkaetal Neu-etal 2001,1995))، او (کوپر) پیشنهاد می دهد که آکادمی ها می توانند ارتباط نظری با حرکت های اجتماعی را عرضه کنند،

لکن در عین حال چنین اظهار عقیده می کند که فشار کار آکادمیک باعث مجبور کردن آکادمی ها جهت درگیر شدن در کارهای بصورت اجتماعی مرتبط می شود.

کوپر با دلیل ثابت می کند که زبان حرفه ای نئورئالسم (نواقع گرایي)، زبان گفتاری (یا نوشتاری) قدرتمند را تکمیل می کند، در عین حالی که به ما عباراتی مانند "بازار آزاد" را ارائه می کند که به عنوان آنچه او کلیت ساختگی می خواند، مطرح می شوند. او استدلال می کند، که چنین عباراتی تصوراتی از بازسازی جهانی ارائه می کند. نقش آکادمیک عبارتست از ارائه جایگزینها برای حکایت های اجتماعی برجسته و خصوصاً برای ایجاد امکان استماع فریاد فقراء و سایر گروه های در حاشیه قرار گرفته شده. به منظور انجام موفقیت آمیز این کار، کوپر چنین استدلال می کند که برای آکادمی حسابداری لازم است تا دنیای اجتماعی را در سطح منطقه ای درگیر کند. نکته تلویحی در این بحث این است که به منظور ارتقاء سطح منفعت عمومی، اعضاء آکادمی می بایستی به لحاظ سیاسی در مقابل قدرت (قدرت طلبی) فعال باشند. در حالی که تمرکز اعضاء آکادمی (فرهنگستان) بر تجزیه و تحلیل و فرهنگ لغات است، کوپر

با دلیل ثابت می کند که کلمات کافی نیستند (برای انجام کار) یا حداقل اینکه کلمات بدون
استخدام (فرهنگ لغات) منطقه ای فاقد تأثیر و اعتبار هستند.

جشن دیلارد لیندا راشل کاوشی کاوشی ظریف در خصوص طبیعت شرارت اداری و نوع

اداری، تشریفاتی و رویدادی خشونت استدلال می کند که مشخص کننده مدرنیته است (بومَن

1989). همانند فونل (1998)، دیلارد و راشل هم چنین استدلال می کنند که حسابداری در

راستای تکمیل عقلانیت سودمند نهفته در ورای چنین خشونت، نقش کلیدی ایفا می کند.

تعریف شغلی آنها از منفعت عمومی، (بخاطر غیرمعمول بودن تعریف آنها) جالب است. این

تعریف مرتبط شده با عقیده "جامعه در حال تداوم" جامعه ای که مصالح آن یکجور نیست، و

لازم است تا مداوماً از طریق گفتگو (این تفاوت ها) با استفاده از کلمه ی در حال تداوم، تلویحاً

فهمانده شده است. این تعریف هر کسی را از موازنه های ساکن و محاسبات تاریخی مربوط به

ریز اقتصادهای به سبک کلاسیک دور نگه داشته، گستره سهامداران مورد خطاب را وسعت

داده و بدان نکته تأکید می کند که دیگرانی که فریادرسانی ندارند اما دارای تاریخی هستند که

باید مورد احترام قرار گیرد و آینده ای که مورد حفاظت، می بایستی مورد توجه قرار گرفته شوند.

دیلارد و راشل صرفاً به توصیف مکانیزمهایی که به سبب آنها حسابداری به شرارت اداری اضافه می شود، راضی نمی شوند (اغناء نمی شوند). آنها هم چنین به دنبال چارچوب هایی هستند برای روشنگری و تغییر (پیرو لافلین 1987)، از طریق جمع بندی مجدد اشکال اجتماعی مسئولیت در سازمان های دارای سلسله مراتب از طریق تغییرات در ساختارهای فنی و فرهنگ های مربوط به سازمان ها و از طریق تغییرات در شیوه ای که حسابداری را آموزش می دهیم. این نتیجه گیری توصیفی نسبت به تحقیق آنها تا اندازه ای می تواند باعث ناراحتی برخی محققین شود. در حالی که کوپر به دنبال اعضاء آکادمی می فرستد تا در فعالیت محلی وارد شوند، دیلارد و راشل پیشنهادی می کنند مبنی بر اینکه تحقیق در آموزش واقعی ما می بایستی به شکل مستقیم تری با ایجاد شرایط مساعد در جهت منفعت عمومی، درگیر شود. اینکه این پیشنهادها می توانست دوره ای باشد برای تعدادی از ما که نقش های انفعالی یا رصدکننده گی

را ترجیح می دهیم، نشانه ای است از مقدار فضای موجود برای مناظره گسترده تر آکادمیک در خصوص موضوعات منفعت عمومی.

نوریو سواب یک دیدگاه ژاپنی را مطرح می کند. او تعریفی از منفعت عمومی را به کار می برد که از نظریه پردازی انتخاب عقلانی سرچشمه می گیرد، نظریه پردازی که اقتصادیات به سبک جدید را تقویت و پشتیبانی می کند. او استدلال می کند که منفعت عمومی یک مفهوم مستقل در اقتصادیات (علم اقتصاد) به سبک جدید نیست، بلکه یک ته مانده اضافی صف است پس از آنکه یک فرد پدیده های اجتماعی را به انتخابهای عقلانی فردی متلاشی کرده است او سپس این تعریف را در آزمایشش مربوط به نقش معانی و بیان حسابداری در ژاپن طی اصلاحات منظم اخیر، به کار می برد تا انتشار منطق (شیوه استدلال) صنفی در اصلاحات را نشان دهد. سواب استدلال می کند که در حالی که اصلاحات نسبت داده شده بودند به مفهومی از اجتماعی ساخته شده از منافع اشخاص، خود اصلاحات منظم این منافع شخصی را شکل دادند. در راستای این تحقیق گذشته (کوکوبو و سواب 1996)، تحقیق سواب به ما یادآوری

می کند که تصورات مربوط به منفعت عمومی به طرق مختلف در تنظیمات زمانی / فضایی متفاوت، تشکیل شده اند.

شهزاد الدین و ماتئوتسامنی، در مقابل شیوه ی تحلیلی سواب، به صورت تجربی تعریفی مشکوک و موجود از منفعت عمومی را مورد اعتراض قرار می دهند. آنها فعالیت های تجاری متعلق به دولت در کشور غنا را به لحاظ سهم شان در استخدام کاهش جریان مبادلات خارجی، و تولید درآمد مالیاتی، ارزیابی می کنند، معیارهایی که تعریفی از تأمین منفعت عمومی منتزع شده از اسناد بانک جهانی را تشکیل می دهند. آنها سپس تأثیر تنظیمات ساختاری بانک جهانی را مورد توجه قرار می دهند تا ببینند آیا این تنظیمات منفعت عمومی را اینگونه که بانک جهانی و مقامات رسمی غنا ادعا کرده اند، تأمین کرده است. کار تحقیقی ادین و تسامنی کار تحقیقی اخیر را که نتایج منفعت عمومی مرتبط شده با فعالیت های سازمان های بین المللی نظیر بانک جهانی در کشورهای "جنوب" را مورد آزمایش قرار داده است، ادامه می دهد. (برای مثال راهامان و لاورنس، 2001؛ ادین و هاپر، 2001).

چریل لِهْمَن شیوه ی برخورد کاملاً متفاوتی را در ارتباط بین حسابداری و منفعت عمومی می پذیرد. او رفتار شخصی را از یک دیدگاه فرویدی مورد آزمایش قرار می دهد تا ریشه های رفتاری اعمالی که برخلاف منفعت عمومی هستند تشخیص دهد. لِهْمَن مفهوم ضمنی مربوط به منفعت عمومی را از روان شناسی فرویدی می گیرد. جایی که پیشرفت روانشناسانه اشخاص و نیروهای جامعه بر هم تأثیر می گذارند تا رفتارهایی را که از حیث اجتماعی قابل قبول یا غیرقابل قبول در نظر گرفته شده اند، ایجاد و تعریف کنند. همین رفتارهای غیرقابل قبول یا "ضد اجتماعی" است که موجب می شود تا لِهْمَن به عنوان مخالف منفعت عمومی رفتار کند. کار لِهْمَن مهم است زیرا کار او تأکید جامعه شناسان اولیه پیدا شده در بسیاری از تحقیق های قبلی مربوط به حسابداری و منفعت عمومی را کامل می کند. (مقایسه با پوکستی 1986، سیکا و ویلمت 1995).

ریچارد باکر، در مقابل لِهْمَن، بحث مربوط به منفعت عمومی اش را پیگیری می کند البته نه در سطح شخصی بلکه در سطح سازمان های حسابداری. او در تحقیقش یک مؤسسه حرفه ای، یک هیئت منظم، و یک شرکت حسابداری را می گنجانند، و به معنای بلیغ "منفعت عمومی"

مربوط به این سازمان ها را توجه می کند. باکر استدلال می کند که عملکردهای ایدئولوژیکی این بلاغت، مرتبط با پویایی های داخلی سازمان ها، تضادهای موجود در اظهارات آنها را در خصوص منفعت عمومی، آشکار می کند. او به طور مشخص با دلیل ثابت می کند که بلاغت مربوط به این سازمان های حسابداری نسبت به ایدئولوژی های برجسته جامعه آمریکا مبهم است. در جامعه آمریکا، سازمانها برای خودشان از نقش های ممیزی و تنظیم کننده گی حمایت می کنند که از لحاظ نظری متناقض با نئولیبرالیسم (آزادی خواهی نو) هستند. کار تحقیقی باکر از سبک تحقیقات قبلی پیروی می کند که اشارات ضمنی منفعت عمومی مربوط به فعالیت های شرکت های حسابداری عمومی را مورد آزمایش قرار داده است. (مثل میشل etal، 1998؛ ارنولد و کوپر 1999).

هر مقاله در این موضوع خاص نه تنها یک جهت یابی متفاوت را می پذیرد بلکه همچنین یک تصور متفاوت از منفعت عمومی را هم می پذیرد. برای کوپر منفعت عمومی از طریق عمل و تعیین هویت شناخته شده و به صورت پویا ساخته شده است. از نظر دیلارد و راشل، منفعت عمومی از طریق عمل و تعیین هویت شناخته شده و به صورت پویا ساخته شده است. از نظر

دیلارد و راشل، منفعت عمومی از لحاظ تاریخی تداوم دارد و به شکلی بی نظم تشکیل شده است.

از نظر سواب، و برای ادین و تسامنی، منفعت عمومی قابل رقابت است؛ در هر دوی این مقالات، مؤلفین یکی از تعاریف ارائه شده را می پذیرند و پیرو رویه سقراط پیش می روند تا لذا قضات ضمنی هر تعریف را طرح کنند. از نظر لهن، منفعت عمومی به صورتی پیچیده و غامض با رفتار شخصی مرتبط شده است و از نظر باکر، منفعت عمومی یک ساختار ایدئولوژیک و دارای معنای بلیغ است.

به منظور درک (تشخیص) مفاهیم ضمنی این مقالات برای تحقیقات آتی، تلاش برای طبقه بندی تمام این تصورات (عقاید) متفاوت از منفعت عمومی، متقاعد کننده است. در حالی که گوناگونی از نوع شناسی ها قطعاً محتمل است، با دلیل ثابت می کنیم که چنین اعمال طبقه بندی هایی می تواند اثر نامطلوب (نامقصود) محدودیت (منفعت عمومی) داشته باشد تا ایجاد امکان (قادر کردن) تحقیق منفعت عمومی.

برای آنکه یک بحث جدی در خصوص اینکه چگونه حسابداری و منفعت عمومی به صورت دوجانبه تشکیلاتی هستند شکل بگیرد، آنچه مورد نیاز است عبارتست از سستی در فرضیات ما در خصوص آنچه "منفعت عمومی" می تواند معنا بدهد.

بصورت مشابهی، هنگامی که در خصوص منفعت عمومی صحبت می کنیم، سؤال کردن مقصود مورد نظر از (کلمه) "حسابداری" مهم است. در حقیقت تعداد نسبتاً خوبی مقالات نافذ در خصوص این عنوان تهیه شده اند که بیشتر آن در خصوص جامعه شناسی مربوط به ادبیات مشاغل فراهم شده است. (لارسون 1977؛ اُبت 1988). در AAAJ، این خط (مسیر) تحقیقی نسبتاً برجسته بوده است (مثلاً دیلموت و سایرین 1993؛ لی 1994، 1995، هالول 1995؛ کارنگی و ناپیر 1996؛ سیل و کرافت 1997؛ واکر و شکلتن 1998؛ دی بال و وال کارسل 1999؛ فوگرتی و رادکلیف 1999؛ یاپا 1999؛ گندرون 2000؛ کارنگی و سایرین 2003؛ سیترون 2003؛ نو و سایرین 2003). هرچند سایر ابعاد حسابداری علاوه بر حرفه (تخصص)، بر منفعت عمومی تأثیر می گذارند آئین نامه حسابداری، ممیزی، مالیت گذاری، حسابداری مدیریتی (اداری)، رفتار سازمانی، تصمیم گیری شخصی (انفرادی)، فن آوری های حسابداری،

نژاد/ درجه/ جنس - هر کدام از این ابعاد حسابداری می توانند از این جهت که موجب ارتباط خاص خودشان با منفعت عمومی می شوند، مورد توجه قرار گیرند. با عدم اجماع حسابداری در بیشتر ابعادش و با کاربرد چارچوب های تحقیقی مان جهت کشف چگونگی تأثیر این ابعاد و تأثیرپذیری آنها توسط منفعت عمومی، مسیرهای جدید تحقیقاتی شروع به نمایان شدن می کنند.

در جمع، این موضوع خاص در صدد است تا نه تنها حسابداری را در منفعت عمومی ارتقا دهد بلکه حسابداری (هایی) را هم که در منفعت (های) عمومی هستند را همینطور (در صدد ارتقاء سطح آنهاست). تحقیقات مشمول این موضوع خاص ما را ترغیب می کنند تا برخی از پیش فرض های قبلی مان در خصوص چگونگی تأثیرگذاری حسابداری بر منافع عمومی، را مورد توجه مجدد قرار دهیم. آن تحقیقات همچنین ما را مورد اعتراض قرار می دهند تا بررسی کنیم چگونه منافع عمومی گوناگون بر ابعاد گوناگون حسابداری تأثیر می گذارند. این تحقیقات از طریق ملاحظه ی محل تقاطع حسابداری و منفعت عمومی در تنوعی از محلها، به ما یادآوری می کنند طبیعت چند لایه بین فن آوری ها، سیاستها، رویه های حسابداری و جامعه را.

1- به عنوان مثال، جدیدترین مقاله در باب مرور حسابداری شامل (بحث) "منفعت عمومی" در عنوان ما در خلاصه، عبارت بود از مقاله لو (1988). اخیرترین مقاله در خصوص حسابداری، سازمانها و جامعه متعلق بود به پارکر (1994). جدیدترین در AAAJ که از تعبیری که ما در اینجا به کار می‌بریم استفاده کرده است عبارت بود از (دیپال و وال کارسل 1999).

2- حوزه‌ی علوم سیاسی چندین مثال را عرضه می‌کند. برای نمونه، هلد (1970)، راه‌های (دستیابی) به منفعت عمومی را طبقه‌بندی می‌کند به این عناوین، تئوری‌های برتری، تئوری‌های منفعت مشترک و تئوری‌های واحد. تئوری‌های برتری عقیده دارند که در منفعت عمومی چیزی نهفته است اگر به نفع اکثر مردم باشد؛ احتیاجی به اتفاق آراء نیست. رأی‌گیری دمکراتیک حکومت اکثریت مثالی است که این تئوری را روشن می‌کند (تشریح می‌کند). تئوری‌های منفعت مشترک عقیده دارند که فقط وقتی در منفعت عمومی چیزی هست که در منفعت هر فرد باشد. یک مثال می‌تواند فرآیند قضایی عادلانه باشد، که به شکل مستدلی برای هر فرد در جامعه مورد نیاز است تا منافع مخالف (مغایر) را حل کند. برعکس، تئوری‌های

واحد، بر این عقیده اند که هیچ منفعت معتبری خارج از منفعت عمومی وجود ندارد، زیرا آنچه

درست و صحیح است فقط در منفعت عمومی وجود دارد.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی